

# انفکات جالبی از سالهای تبعید امام خمینی

محمدحسین شیخشعلی

## اولین پیامها از تبعید

اولین اعلامیه امام که در تبعید صادر شد در فروردین سال ۱۳۴۶، خطاب به حوزههای علمیه و روحانیون بود و در آن گوشزد کردند که نقشه استعمار محو اسلام و احکام قرآن است و راهی جز مقاومت و پایداری وجود ندارد. اما پس از این اعلامیه نامه‌ای سرگشاده هم به هویدا می‌نویسد: «جناب آقای هویدا! لازم است نصایحی به شما بکنم... شماها از این ملت و در این آب و خاک پرورش یافته و صاحب عناوین شده‌اید. این قدر با حیثیت این ملت بازی نکنید...»

و در این نامه چند صفحه‌ای شرحی از خیانت‌ها و انحرافات رژیم پهلوی را بازگو می‌کند و توصیه می‌کند تا دیر نشده به خود بیایند. دو ماه پس از آن هم اعلامیه بعدی امام درباره جنگ اعراب با اسرائیل صادر شد. امام در آن پیام، هرگونه کمک به اسرائیل را حرام اعلام کردند و کشورهای اسلامی را به همکاری و همت برای نابودی اسرائیل فراخواندند.



## در برابر تخریبها

در مدت اقامت حضرت امام در ترکیه مقالات زیادی در موافقت یا مخالف با ایشان منتشر می‌شد. یکی از مطالب جالبی که البته بعد از تبعید امام به عراق منتشر شد، مربوط به مصاحبه یکی از مطبوعات ترکیه با صاحبخانه امام بود. این خانم که وظیفه پخت و پز و پذیرایی را در خانه امام برعهده داشت در این مصاحبه از نظم و دقت فراوان امام تعریف کرده بود و به برخی برنامه‌های امام و جلوه‌های زیبایی از رفتار امام اشاره کرده بود.

مثلاً این که حضرت امام گاهی که برای قدم زدن و هواخوری به فضای سبز اطراف خانه می‌رفتند، مراقب بودند حضورشان مزاحم راحتی دیگران نشود برای همین به محلی که زن‌ها حضور داشتند نزدیک نمی‌شدند. این مطالب ستایش‌آمیز که بدون هیچ بزرگ‌نمایی، شخصیت امام را تصویر می‌کرد در مخاطبین که آشنایی چندانی با این مرد بزرگ نداشتند، تأثیر فوق‌العاده‌ای می‌گذاشت به گونه‌ای که همه تلاش‌های جاهلانه دشمنان را که با نوشته‌ها و کاریکاتورهای اهانت‌آمیز قصد تخریب ایشان را داشتند ناکام می‌گذاشت.

خاطرات آیت‌الله صابری همدانی، ص ۲۲۱

## شکوه وفاداری

پس از دستگیری امام، مبارزین تصمیم گرفته بودند در مراسم و مناسبت‌های شادی، به نشانه اعتراض، از آذین‌بندی و شادی رسمی خودداری کنند. یکی از مهم‌ترین این مراسم‌ها نیمه شعبان بود که افراد زیادی از نقاط مختلف ایران راهی شهرهای مقدس خصوصاً قم می‌شدند.

دوستداران امام برای این که از این فرصت استفاده کنند و هم نیمه شعبان را گرامی بدارند، هم قدمی برای اهداف قیام امام بردارند، در نیمه شعبانی که امام در ترکیه تبعید بودند یعنی سال ۱۳۴۳، مجلس با شکوهی در مسجد اعظم برگزار کردند. در این جلسه سخنران ضمن صحبت درباره حضرت ولی‌عصر(عج) به جریان تبعید امام و شخصیت علمی ایشان اشاره کرد.

اما خلاقیتی که در برنامه‌های این جشن وجود داشت آن را از مراسم‌های دیگری که برگزار می‌شد، متمایز می‌کرد. در این جشن از یک تابلوی نقاشی هم به اصطلاح امروزی‌ها پرده‌برداری شد. این تابلو تصویر چهره امام بود که توسط یک طلبه جوان کشیده شده بود و تعجب همه را برانگیخت. برنامه جالب دیگری که اجرا شد، قرائت شعر بلندی بود که برای حضرت امام سروده شده بود:

ای ز وطن دور، ای مجاهد دربند  
ای دل اهل وطن به مهر تو پیوند  
بی تو دروغ است هر که قرب خدا جُست  
بی تو فریب است هر که خواست دهد پند  
چشم تو روشن که در سراسر ایران  
فکر تو این تخم انقلاب پراکند  
فکر تو پیروز شد به حرمت قرآن  
نام تو جاوید شد، به نام تو سوگند...



### ساده‌ترین دستگاه ضد جاسوسی

یکی از جالب‌ترین نکات در روزهای تبعید امام، ناکام ماندن جاسوس‌های فراوانی بود که حکومت پهلوی برای کنترل امام به کار گرفته بود. ساواک مأمور بود به وسیله جاسوس‌هایش بفهمد کمک‌های مالی و وجوهات شرعی، از چه طریقی به دست امام می‌رسد؟ همچنین تصمیم داشتند با نفوذ در حلقه مشاوران و همراهان امام، از اتفاقات پیرامون امام سردرپیورند و یا ایجاد دردسر کنند.

اما با وجود ساده و بدون تشریفات بودن زندگی و ارتباطات امام، نتوانستند کاری که می‌خواستند انجام دهند.

در بسیاری از اوقات بعد از آن که اعلامیه‌ای از امام به ایران می‌رفت و بین مردم پخش می‌شد، مأمورین ساواک در نجف تازه باخبر می‌شدند.

تیزی، تدبیر و هوشیاری امام و فداکاری‌های یارانش، تلاش‌های فراوان ساواک برای اختلاف افکنی بین ایشان و مراجع نجف را هم نقش بر آب کرد و نهضت مقدس او را از گرداب‌هایی که می‌توانست هر حرکتی را نابود کند، نجات داد.

نهضت امام خمینی، سیدحمید روحانی



### خرده شیشه

افراد و گروه‌های زیادی با امام در پاریس ملاقات می‌کردند و درباره اوضاع ایران با ایشان گفتگو می‌کردند.

یکی از این افراد مهندس بازرگان بود. وی در ملاقات اول خود به امام می‌گوید: راه بن بست است و مردم خسته شده‌اند.

امام با قاطعیت جواب می‌دهد: بن بستی وجود ندارد و ما انشاءالله پیش می‌رویم.

پس از اوج گرفتن مبارزات و آشکار شدن نشانه‌های نابودی پهلوی حضرت امام برای ملاقات شخصیت‌های سیاسی ایران شرطی گذاشتند و آن این بود که باید اول از سلطنت پهلوی پیژاری بجوئید و حمایت خود را از نهضت اسلامی رسماً اعلام کنند.

بسیاری از دوستان و یاران مهندس بازرگان این شرط را پذیرفتند و بعد از اعلام حمایت از انقلاب، به ملاقات امام رفتند. اما بازرگان که چندان عجله‌ای در اعلام موضعش علیه رژیم پهلوی نداشت، موفق به ملاقات دوم با امام نشد.

البته بازرگان پس از بازگشت به ایران در اعلامیه نهضت آزادی با کمال احتیاط اعلام کرد: چون مردم می‌گویند شاه باید برود، شاه باید برود!

خاطرات ابوالفضل توکلی بینا، ص ۱۵۶

### شریعتی و روحانیت

در مدتی که امام در نجف بودند، شهید محمد منتظری، کتاب‌ها و جزوات دکتر شریعتی را برای امام می‌برد. امام هم سخنرانی‌های پیاده شده و نوشته‌های او را می‌خواند. وقتی شهید منتظری نظر امام را درباره شریعتی جویا می‌شود، ایشان از این که شریعتی در نوشته‌هایش از مرحوم مجلسی انتقاد کرده و به روحانیت تاخته است، اظهار ناراحتی می‌کند. شهید منتظری عرض می‌کند: منظور ایشان همان روحانیتی است که شما دل‌تان از آن خون است و در مبارزه با رژیم با شما همراهی نکردند و حتی برخلاف مبارزه قدم برداشتند.

امام می‌گویند: خیر، ایشان کلیت روحانیت را زیر سؤال برده است.

خاطرات علی جنتی، ص ۱۵۴



### اعتماد

در ابتدای اقامت امام در پاریس، عده‌ای از یاران امام به تکاپو افتادند که با برخی سران کشورهای دیگر، خصوصاً کشورهای اسلامی مذاکره کنند تا اگر فرانسه، امام را مجبور به خروج از آن‌جا کرد، به یکی از این کشورها سفر کنند.

یکی از این مقامات خارجی، قذافی، رهبر لیبی بود. قذافی که البته به خاطر ناپدید شدن امام موسی صدر در سفر به لیبی، به شدت مظنون بود، آن‌ها را به خوبی تحویل گرفت و مراتب ارادت خود را به امام اعلام کرد و گفت آماده است هرگونه کمک مالی و تسلیحاتی هم که لازم باشد بکند و پیشنهاد کرد اصلاً منتظر اتمام مدت ویزای اقامت در پاریس هم نشوند و همین‌الآن به لیبی سفر کنند. یاران امام با خوشحالی از این فتحی که کرده‌اند نزد امام می‌روند و جریان را می‌گویند؛ اما امام تأملی می‌کنند و می‌گویند: نه! قذافی قابل اعتماد نیست. سفر به لیبی منتفی می‌شود، اما خوشبختانه برای اقامت امام در پاریس هم مشکل پیش نمی‌آید.

خاطرات علی جنتی، ص ۱۵۸

### غریبه محبوب

نجف در زمان تبعید امام به آن‌جا، یکی از مراکز مهم علمیه به شمار می‌رفت و علماء و مراجع بزرگی در آن‌جا حضور داشتند.

در ابتدای حضور امام در نجف، برخی افراد ظاهر بین، رفتارهای امام را با سایر بزرگان مقایسه می‌کردند و به ایشان انتقاد می‌کردند. مثلاً ایراد می‌گرفتند که عمامه ایشان کوچک‌تر از عمامه‌ای است که یک مرجع تقلید باید داشته باشد (!) یا از این که امام خمینی برخلاف رسم مراجع نجف، هر روز به حرم مشرف می‌شود و برخی دعاها را از روی مفاتیح می‌خواند نه از حفظ، تعجب می‌کردند و یا به ابهت و رفتار رسمی و قاطعانه امام ایراد می‌گرفتند. اما به تدریج که شخصیت جذاب و ملکوتی امام آشکار می‌شد، این ایرادهای بنی اسرائیلی کم و کم‌تر شد.

وقتی حضرت امام تدریس را در حوزه نجف شروع کردند، درس ایشان هر روز علاقمندان بیش‌تری را به خود جذب می‌کرد. خاطرات عمید زنجانی.



### مقصد حساب شده

وقتی امام فرانسه را برای سفر انتخاب کردند سروصدای برخی گروه‌های مبارز مثل گروه‌های غیراسلامی و مجاهدین خلق در آمد.

آن‌ها معتقد بودند سفر به فرانسه نشانه سازش و روی خوش به غرب است و به جای آن باید کشورهای انقلابی و ضد امپریالیستی مثل الجزایر برای اقامت امام در نظر گرفته می‌شد.

اما گذشت زمان درستی این تصمیم را ثابت کرد. از یک طرف قرار گرفتن امام در کشوری که دارای آزادی‌های لازم برای مبارزه و در دسترس بسیاری از علاقمندان و رسانه‌های جهان بود، به انتشار پیام امام کمک کرد و از طرف دیگر از خطر اعتماد به برخی کشورهای به ظاهر انقلابی و اسلامی از سر حرکت نهضت رفع شد. کشورهایی مثل الجزایر که پس از انقلاب در کنار عراق با آرمان‌های امام جنگید.

خاطرات جواد منصوری، ص ۲۳۷